پیوند حج و اقتصاد در جهان اسلام؛ بازاندیشی در کارکردهای تمدنی یک فریضه!



امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

حج، تنها یک عبادت فردی یا یک مناسک جمعی نیست؛ بلکه آیینه‌ای تمام‌نما از نظام جامع اسلام است که در آن ابعاد عبادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به‌طور درهم‌تنیده مطرح شده‌اند. از این رو، نگاه تک‌ساحتی به حج، دور شدن از حقیقت آن است. یکی از ابعاد مغفول‌مانده یا کمتر پرداخته‌شده در تبیین فلسفه حج، بعد اقتصادی آن است که در متون دینی، روایات و حتی ساختار آیات قرآن به‌روشنی مطرح شده است.

از دیدگاه قرآن، تجارت و کسب‌وکار در ایام حج نه‌تنها ممنوع نیست، بلکه «لا جناح» شمرده شده؛ یعنی

در کنار عبادت، جلب منفعت مادی نیز جایز بلکه طبیعی و مشروع است: «لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّکُمْ...» (بقره، 198). نکته جالب آن است که این آیه در بطن توصیف عرفات – مهم‌ترین رکن مناسک حج – آمده و نشان می‌دهد که اقتصاد می‌تواند در پرتو عبادت، معنا پیدا کند؛ نه آنکه حج در سیطره اقتصاد قرار گیرد و نه بی‌ارتباط با آن.

در نگرش تمدنی اسلام، اقتصاد نه یک هدف بلکه وسیله‌ای برای قوام اجتماع و دستیابی به اهداف بلند انسانی است. قرآن کریم، کعبه را «قیاماً للناس» دانسته (مائده، 97)؛ یعنی محور حیات اقتصادی، دینی و اجتماعی امت اسلامی. بنابراین، کعبه و مناسک مرتبط با آن – از جمله حج – باید در خدمت شکل‌گیری ساختار جامعه‌ای باشد که در آن معاش و معاد، در کنار هم سامان می‌یابند.

با این حال، در شرایط کنونی، فریضه حج از جنبه اقتصادی خود تا حد زیادی تهی شده است. به جای آنکه این اجتماع عظیم، ظرفیت توسعه تجارت بین مسلمانان، تقویت بازار امت اسلامی و حمایت از تولیدات بومی را فراهم آورد، بیشتر به فرصت اقتصادی برای دیگران – خارج از جهان اسلام – تبدیل شده است. امام صادق(علیه‌السلام) در تبیین فلسفه حج به صراحت می‌فرماید: «لِیَنْتَفِعَ النَّاسُ فِی تِجَارَاتِهِم...»؛ یعنی حج باید ابزار بهره‌مندی امت اسلامی در عرصه اقتصاد باشد.

اکنون حج به‌جای آنکه «منافع لهم» باشد، در مواردی به «مضار علیهم» تبدیل شده است. بخشی از این ناکارآمدی، به تفکری بازمی‌گردد که حج را صرفاً مناسکی عبادی می‌داند و کارکردهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن را نادیده می‌گیرد. در حالی که نگاه جامع اسلامی بر این باور استوار است که «عبادت» و «معاش» در تضاد نیستند؛ بلکه در تعامل و تعادل‌اند.

رسالت کارگزاران و متصدیان حج در کشورهای اسلامی، احیای این بعد مغفول‌مانده و طراحی سازوکارهایی برای بهره‌برداری اقتصادی مشروع و عادلانه از این ظرفیت بزرگ امت اسلامی است. همچنین نخبگان فکری و حوزه‌های دینی باید با تبیین دوباره فلسفه حج در گفتمان‌های دینی و اجتماعی، افق تازه‌ای برای بهره‌گیری از این نعمت بزرگ الهی ترسیم کنند.

در جهان امروز که اقتصاد به یکی از ابزارهای سلطه بدل شده، حج می‌تواند نماد «استقلال اقتصادی» و «همبستگی بازارهای امت اسلامی» باشد؛ مشروط بر آنکه این ظرفیت عظیم را بازشناسیم و به‌درستی از آن بهره‌برداری کنیم.